

Compensation for Environmental Damage in Light of Article 75 of the Rome Statute and "the Elements of Crimes"

Mohammah Reza Vaezi¹, Ali Faghih Habibi², Maryam Afshari³, Mohsen Dehghani Ghenaghestani⁴

Abstract

Field and Aims: In recent decades, the need to ensure an effective protection of the environment has become more pressing. The significant efforts that have been made by the international community have led to the adoption of conventions and treaties aimed at ensuring the protection of the environment. These remarkable developments in the field of international environmental law, however, have not yet reached the traditional system of international criminal law. Indeed, the ICC remains concerned exclusively with the prosecution of the core crimes already subjected to its jurisdiction. In this article, we investigated the answer of this question: which are the potency of The Statute of the International Criminal Court for Prosecuting environmental damages?

Method: The research method is descriptive-analytical approach and the data collection tool is library metoth by studying books, articles and international documents (declarations, treaties, approvals of international authorities, etc.)

Findings and Conclusions: Our analysis suggests that, however the only explicit mention of the environment in the Rome Statute appears in Article 8.2(b) (iv), under the heading "War Crimes", But there are 6 the other potency in " Elements of Crimes". So We should not underestimate the power of simply relying on the existing statutory framework. We should rather than surrendering the pursuit of "environmental justice" before the ICC, Focus on reorienting on maximising the environmental potential of the current statutory framework.

Keyword: International Criminal Court (ICC), Rome Statute, Core crimes, Elements of Crimes, Compensation for environmental damages, International environmental law.

Citation (APA): Vaezi, M.R; Faghih Habibi, A., Afshari, M., Dehghani Ghenaghestani, M. (2025). Compensation for Environmental Damage in Light of Article 75 of the Rome Statute and "the Elements of Crimes". *International Legal Research*, 18(67), 83-103.

1. Ph.D. Student, South Tehran branch, Islamic Aazd University, Tehran, Iran.

Email: mrpvaezi@yahoo.com

2. Faculty member, Department of Law, South Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Author). Email: .faghih.habibi@gmail.com

3. Faculty member, Department of Law, Damavand branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran. Email: afshari2005m@yahoo.com

4. Faculty member, Department of Environment, Bandar Abbas branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. Email: dehghani933@gmail.com

جبران خسارات زیست محیطی در پرتو ماده ۷۵ اساسنامه رُم و «عناصر جنایات»

محمدرضا واعظی^۱، علی فقیه حبیبی^۲، مریم افشاری^۳، محسن دهقانی قناتغستانی^۴

چکیده

زمینه و هدف: در دهه‌های اخیر نیاز به حفاظت مؤثر از محیط زیست، ضروری تر شده است. در این راستا تلاش‌های قابل توجهی توسط جامعه بین‌المللی انجام پذیرفت که منجر به تصویب کنوانسیون‌ها و معاهداتی با هدف تضمین حفاظت از محیط زیست و توسعه «حقوق بین‌الملل محیط زیست» شد. هرچند این توسعه‌ی چشمگیر، هنوز به حوزه حقوق کیفری بین‌المللی وارد نشده است. در واقع دیوان کیفری بین‌المللی، منحصرأ به پیگیری کیفری «جنایات اصلی» که طبق اساسنامه رُم در صلاحیت آن قرار دارند، تمرکز دارد. در این مقاله به بررسی پاسخ این سؤال می‌پردازیم که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، برای پیگیری خسارات زیست محیطی چه قابلیت‌هایی دارد؟

روش: روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای با مطالعه کتب، مقالات و اسناد بین‌المللی (اعلامیه‌ها، معاهدات، مصوبات مراجع بین‌المللی و ...) می‌باشد.

یافته‌ها و نتایج: تجزیه و تحلیل ما نشان می‌دهد، اگرچه تنها جایی در اساسنامه رُم که به صراحت از محیط زیست نام برده شده، در ماده 8.2(b) (iv) تحت عنوان «جنایت جنگی» می‌باشد، اما ۶ ظرفیت دیگر برای پیگیری کیفری آسیب‌های زیست محیطی در «عناصر جنایات» وجود دارد؛ بنابراین ما نباید قدرت تکیه بر چارچوب فعلی اساسنامه رم را دست‌کم گرفته و به این ظرفیت‌ها توجه نکنیم، بلکه باید به جای چشم‌پوشی از «عدالت زیست محیطی» در دیوان بین‌المللی کیفری، بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌های زیست محیطی در چارچوب قانونی فعلی، تمرکز کنیم.

کلیدواژه‌ها: دیوان کیفری بین‌المللی، اساسنامه رُم، جنایات اصلی، عناصر جنایات، حقوق بین‌الملل

محیط زیست، جبران خسارات زیست محیطی.

استناددهی (APA): واعظی، محمدرضا؛ فقیه حبیبی، علی؛ افشاری، مریم؛ دهقانی قناتغستانی، محسن. (۱۴۰۴). جبران خسارات زیست محیطی در پرتو ماده ۷۵ اساسنامه رُم و «عناصر جنایات». *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۸(۶۷)، ۸۳-۱۰۳.

۱. دانشجوی مقطع دکتری، رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

رایانامه: mrpvaezi@yahoo.com

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: faghih.habibi@gmail.com

۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، دماوند، ایران.

رایانامه: afshari2005m@yahoo.com

۴. دانشیار گروه محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران. رایانامه: dehghani933@gmail.com

در دهه‌های اخیر با توجه به بروز انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی، «حفاظت از محیط‌زیست» اهمیت زیادی یافته است. برای دستیابی به این مهم، تلاش‌های قابل توجهی توسط جامعه بین‌المللی انجام پذیرفت که نتیجه این تلاش‌ها در حوزه «حقوق بین‌الملل»، ایجاد و توسعه «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» بود. از طرفی «تبیین مکانیسم‌های جبران خسارات ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی»، یکی از راهکارهای اساسی برای حفاظت از محیط‌زیست محسوب می‌شود؛ زیرا جبران خسارات، نه تنها می‌تواند به بازسازی محیط‌زیست کمک کند بلکه حتی به دلیل «اثر بازدارندگی»^۱، موجب جلوگیری از آلودگی و حفاظت از محیط‌زیست خواهد بود. البته بیشتر قواعد «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، بر پایه «معاهدات چندجانبه زیست‌محیطی» بنا شده که متأسفانه این معاهدات دارای مشکلات و معضلات خاص خود (به‌خصوص در زمینه جبران خسارات) هستند. مثلاً بسیاری از آنها، منطقه‌ای بوده و صرفاً برای اعضای خود و در منطقه جغرافیایی خاص معتبر می‌باشند. حتی برخی از همین معاهدات منطقه‌ای، به‌طور کامل اجرا نشده‌اند. همچنین بسیاری از معاهدات چند جانبه زیست‌محیطی از نوع «جلوگیری»^۲ بوده و جرم‌انگاری را به حقوق داخلی کشورها، محول کرده‌اند. لذا علی‌رغم اینکه امروزه التزام به جبران خسارت زیست‌محیطی، بر اساس قواعد عام مسئولیت بین‌المللی^۳ به عنوان یک اصل مبنایی در جهت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست مورد شناسایی قرار گرفته است (شاه‌حسینی و مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۴۲)، ولی همچنان جبران این خسارات عملاً با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست و با تکیه صرف بر این معاهدات، غلبه بر چالش‌های غیر قابل حل در زمینه جبران خسارات ناشی از آسیب‌های زیست‌محیطی، ممکن نیست.

همچنین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تعداد «رویه قضایی» که بتواند جایگزین نواقص و کمبودهای کنوانسیون‌ها باشد، بسیار محدود و ناکافی است. وجود رویه قضایی، خود عامل توسعه و غنای هرچه بیشتر قواعد حقوقی می‌باشد. این در حالی است که در زمینه مطالبه جبران خسارات زیست‌محیطی به دلایل گوناگون، فقدان رویه قضایی بین‌المللی کافی، بر عدم غنای این موضوع در حقوق بین‌الملل افزوده است (موسوی و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۲۸). در همین ارتباط، در سال ۲۰۰۱ مایکل بومن^۴ اعلام کرد که فقدان اصول روشن در مورد خسارات زیست‌محیطی، ناشی از محدود بودن دعاوی قضایی مربوط به این موضوع است که در نتیجه آن رویه قضایی زیادی وجود ندارد (رایز، ۲۰۱۱: ۱).

1. Deterrent Effect
2. Suppression
3. International Responsibility
4. Michael Bowman
5. Reis



در چنین شرایطی برای غلبه بر چالش‌های غیرقابل حلی که در زمینه جبران خسارات زیست‌محیطی بروز کرده است، ضرورت دارد، هر گونه روزنه امید و راهکاری را برای تحقق جبران این گونه خسارات، مورد توجه قرار داده و جدی گرفت. در این راستا ضرورت استفاده از ظرفیت‌های محاکم کیفری برای جبران خسارات زیست‌محیطی، بیش از پیش احساس می‌شود.

علاوه بر این استفاده از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل کیفری برای جبران خسارات زیست‌محیطی، موجب پیشگیری از بروز این گونه خسارات خواهد بود. توضیح اینکه گاهی اوقات به منظور افزایش هرچه بیشتر خطر ارتکاب جرم در نظر مرتکبین بالقوه و پیشگیری از جرم، علاوه بر به‌کارگیری راهبردهای غیرکیفری، از تدابیر کیفری و سرکوبگر نیز استفاده می‌شود که اصطلاحاً تحت عنوان پیشگیری کیفری نیز شناخته می‌شود (کشکولیان و کریمیان عمروآبادی، ۱۴۰۱: ۶). به‌طور کلی چنانچه پیشگیری همراه با سرکوبی نباشد، مثمر ثمر واقع نخواهد بود (ابراهیمی و رجبی، ۱۳۸۹: ۲۴). از طرفی اهمیت استفاده از حقوق بین‌الملل کیفری برای پیشگیری از بروز خسارات زیست‌محیطی، نظر به این واقعیت که محیط‌زیست موهبتی خداوندی است که تنها به نسل حاضر تعلق ندارد و در صورت تخریب آن نسل‌های آینده نیز بزه‌دیده خواهند بود (جعفری و احمدی، ۱۳۹۸: ۶۱۶)، دوچندان خواهد شد.

در این راستا استفاده از «دیوان کیفری بین‌المللی» و پیگیری کیفری خسارت زیست‌محیطی در چارچوب اساسنامه رُم اهمیت ویژه دارد؛ زیرا این دیوان، در سیر حمایت از قربانیان، اقدام به نوآوری‌هایی کرده است که در هیچ‌یک از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین، تجربه نشده بود. نسل اول این دادگاه‌ها یعنی «دادگاه نظامی نورنبرگ» و «دادگاه نظامی توکیو»، توجهی به بزه‌دیده ننموده و در اساسنامه و آیین دادرسی آنها هیچ اشاره‌ای به جبران خسارات بزه‌دیدگان نشده بود. در نسل دوم این دادگاه‌ها یعنی «دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق» و «دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا»، هیچ حکمی مبنی بر پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان صادر نمی‌شد^۱ و پس از محکومیت شخص متهم، متقاضی دریافت غرامت باید درخواست خود را در مراجع داخلی پیگیری می‌کرد. (نژندی‌منش و آموزگار، ۱۳۹۶: ۱۴۳)، اما در اساسنامه این دیوان، حقوقی برای بزه‌دیدگان مقرر شده است. این حقوق را می‌توان به سه دسته اصلی (حق مشارکت، حق حمایت و حق جبران خسارت)، تقسیم نمود (سلیمی و جداری‌فروغی، ۱۳۹۷: ۲۲). در خصوص جبران خسارت، بند یک ماده ۷۵ اساسنامه رُم، مقرر می‌دارد:

۲. البته، استثنایی در این زمینه وجود داشت که آن هم در مورد دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق بود. مطابق بند ۸ ماده ۹۸ آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی سابق، «هرگاه دادگاه بر اساس دلایل و مدارک موجود به این نتیجه برسد که اموال نامشروعی که به وسیله متهم تصاحب شده، ناشی از جرم بوده است، این اختیار را دارد که حکم به اعاده مال به مالک بدهد».



«دیوان اصول مربوط به غرامت به قربانیان (در رابطه با آنها را)، از جمله استرداد، جبران خسارت و توان‌بخشی را تعیین خواهد کرد. بر این اساس، دادگاه در تصمیمات خود ممکن است، بر اساس درخواست (بر اساس پیشنهاد خود در شرایط استثنایی) دامنه و وسعت هر گونه خسارت، تلفات و جراحت به قربانیان یا در رابطه با آنها را تعیین کنید و اصولی را که بر اساس آن عمل می‌کند، بیان خواهد کرد.»

همچنان که ملاحظه می‌شود این ماده‌ی اساسنامه رُم، بر جبران «هر گونه خسارات» حتی به‌طور استثنایی «بدون درخواست قربانیان» و صرفاً با نظر دیوان اشاره دارد. قطعاً قید «هرگونه خسارت»، خسارات زیست‌محیطی را نیز تحت پوشش قرار خواهد داد. لذا استناد به این ماده برای پیگیری کیفری خسارات ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی، ممکن است.

شایان ذکر است از آنجا که در «گفتمان عدالت زیست‌محیطی» این توافق وجود دارد که آسیب‌های غیر انسان‌محور باید رسیدگی شود (نورس^۱، ۲۰۱۷: ۲)، برخی حقوق‌دانان با توجه به ساختار انسان‌محور دیوان و این واقعیت که چنین ساختاری مانع از رسیدگی به ارزش‌های حاکم بر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست خواهد شد، به‌کلی پیگیری کیفری خسارات زیست‌محیطی را کنار گذاشته‌اند. بدیهی است چنین دیدگاهی، «عدالت زیست‌محیطی» را پایمال کرده و محیط‌زیست را در پرونده‌های کیفری بین‌المللی به قربانی خاموش تبدیل می‌کند. به نظر می‌رسد بهترین راه‌حل، تقویت خوانش هنجارهای زیست‌محیطی در مقررات فعلی دیوان باشد. در مقاله حاضر در راستای رویکرد اخیرالذکر و با توجه به اهمیت و ضرورت مذکور، در وهله اول برای منافع کشور عزیزمان ایران و سپس برای حراست از منافع کل بشریت (حتی نسل‌های آینده)، به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که «اساسنامه رُم» و «عناصر جنایت» برای پیگیری خسارات زیست‌محیطی چه قابلیت‌هایی دارند؟

روش انجام این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و ابزار گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای بوده و از طریق مطالعه و بررسی اسناد بین‌المللی، کتب، مقالات علمی معتبر و ... انجام گرفته است. ساختار مقاله، در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول، تخریب و بروز خسارت به محیط‌زیست، در چارچوب تعاریف جرائم اصلی، مورد بحث قرار خواهد گرفت؛ به عبارت دیگر در این بخش ظرفیت‌های بالفعل اساسنامه مورد نظر بوده است. بخش دوم به بررسی سایر ظرفیت‌های بالقوه اساسنامه پرداخته است.

۱. خسارات زیست‌محیطی به عنوان ابزار ارتکاب جرائم اصلی

1. Nurse

جنایات اصلی^۱ که تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارند، عبارتند از: ژنوساید، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز^۲. در واقع تنها این جنایات، توسط جامعه بین‌الملل (به عنوان یک پیکر واحد)^۳، تعریف و جرم‌انگاری شده و به عنوان «جرم بین‌المللی» شناخته شده‌اند. در ماده ۲۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در مورد قانونی بودن جرم آمده است که هیچ‌کس به موجب این اساسنامه مسئولیت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه عمل وی در زمان وقوع منطبق با یکی از جرایمی باشد که در صلاحیت دیوان است (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۴۲).

بدیهی است با توجه به «اصل قانونی بودن جرم»، پیگیری کیفری هر گونه تخلف (از جمله خسارت به محیط‌زیست)، صرفاً در صورتی ممکن خواهد بود که آن تخلف در چارچوب تعاریف جرم‌های مذکور، قرار گیرد. یادآور می‌شود از آنجا که در اساسنامه رُم، جزئیات «جرائم اصلی» به صورت کلی و مبهم قید شده بود، حسب ماده ۹ در سال‌های بعد از تصویب اساسنامه، در خصوص سه جرم ژنوساید، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی مطالب کامل‌تری تحت عنوان «عناصر جنایت» طی کنفرانسی که در شهر کامپالا از کشور اوگاندا تشکیل شد، به تصویب کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی رسید (آلامودین و وب، ۱۳۹۱: ۲۱۱). بر این اساس نباید توضیحات تفصیلی قید شده در عناصر جنایات را، «تفسیر موسع» دانست؛ زیرا این توضیحات در واقع حسب خود اساسنامه (ماده ۹) به تصویب مجمع اعضای عضو دیوان کیفری بین‌المللی رسیده و به عنوان یک سند معتبر در دیوان به ثبت رسیده است.^۴

در این بخش، ظرفیت‌های این اسناد بین‌المللی (اساسنامه رُم و عناصر جنایات آن) برای پیگیری و جبران خسارات ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱-۱. تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی، به عنوان ابزاری برای ارتکاب ژنوساید

ژنوساید، در ماده ۶ اساسنامه رُم تعریف شده است. شایان ذکر است این تعریف، کلمه به کلمه از ماده ۲ «کنوانسیون پیشگیری و مجازات ژنوساید»^۵ برداشت شده است که آن نیز تلقی می‌شود منعکس‌کننده توصیف ژنوساید، در حقوق بین‌الملل عرفی باشد. طبق این تعریف: «ژنوساید زمانی رخ خواهد داد که هر یک از اعمال زیر به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود:

1. Core crimes

2. Aggression

3. as a whole

4. Elements of Crimes ISBN NO.92-9227-232-2 Adopted by the International Criminal Court (ICC) based on the article 9 of the Rome statute

5. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide 9 December 1948



الف) کشتن اعضای گروه؛ ب) باعث آسیب جدی بدنی و یا روحی اعضای گروه شدن؛ ج) تحمیل عمدی «شرایط زندگی»، به نحوی که تخریب کلی یا جزئی فیزیکی گروه را باعث شود؛ د) اعمال تدابیری برای جلوگیری از تولد در گروه؛ ی) انتقال اجباری بچه‌های گروه به گروه دیگر.

همچنان که ملاحظه می‌شود در هیچ جای ماده ۶، اسمی از محیط‌زیست نیامده است. لذا ارتباط محیط‌زیست و ژنوساید، به‌طور مستقیم ممکن نیست. اگرچه عوارض ضمنی^۱ تخریب محیط‌زیست، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم به زمینه‌های رفتارهای ذکر شده در تعریف ژنوساید منجر شده و به عبارت دیگر وسیله‌ای برای ارتکاب این جنایت باشد.

ارتباط بین تأثیرات آسیب زیست‌محیطی و ژنوساید، به‌ویژه در مورد جوامع بومی که وابستگی شکننده به زیستگاه خود دارند، نمایان می‌شود. به عنوان مثال، وقوع یک ژنوساید از طریق تخریب محیط‌زیست در رابطه با رفتاری که با قبایل بومی آمریکا شد (قبایل ناواهو در مناطق چهار گوشه)^۲ ادعا شده است. برخی نویسندگان از این قضیه به عنوان «ژنوساید زیست‌محیطی»^۳ یاد کردند. همچنین آلودگی آب یکی از عناصر مورد توجه دیوان بین‌المللی کفوری در صدور حکم بازداشت دوم علیه عمر حسن البشیر رئیس‌جمهور سودان^۴ بوده است که به دلیل ارتکاب ژنوساید علیه مردم دارفور^۵ متهم شد. دادگاه تشخیص داد که اعمال آلودگی پمپ‌های آب، همراه با انتقال اجباری و اسکان مجدد عمداً به قبایل فور، ماسالیت و زاغورا در دارفور تحمیل شده است (میسچرا^۶، ۲۰۱۸: ۲۰۵).

با دقت در تعریف ژنوساید و «عناصر جنایات»، در موارد زیر می‌توان تخریب محیط‌زیست و ایجاد آسیب‌های زیست‌محیطی را به‌طور غیرمستقیم، زمینه بروز و وسیله ارتکاب ژنوساید دانست:

۱-۱-۱. بند «ب» ماده ۶ تعریف ژنوساید

بند «ب» ماده ۶ اساسنامه رم، «آسیب جدی بدنی و روحی به اعضای گروه» را، از مصادیق ژنوساید می‌داند. با رجوع به «عناصر جنایات» مشاهده می‌شود که در بیان عناصر مرتبط با بند «ب» ماده ۶، یعنی رفتارهایی که منجر به آسیب جدی بدنی و روحی می‌شوند، صریحاً مقرر می‌دارد:

1. Episodes
2. The Navajo tribes in the Four Corners regions
3. Enviromental Genocide
4. the Sudanese President Omar Hassan Al Bashir
5. Darfur
6. Mistura

«رفتار مربوطه ممکن است شامل شکنجه، تجاوز جنسی، خشونت جنسی، رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز باشد، اما لزوماً محدود به آنها نیست.»

بدین ترتیب با قید «اما لزوماً محدود به آنها نیست» در «عناصر جنایات»، نشان داده می‌شود که ممکن است سایر فعالیت‌ها از جمله تخریب محیط‌زیست هم که صراحتاً در چنین مثال‌هایی ذکر نشده، بتواند از جمله رفتارهای مرتبط برای ارتکاب آسیب جدی جسمی و روحی تلقی شود.

به عبارت دیگر در صورتی که تخریب و وارد کردن خسارت به محیط‌زیست یک گروه ملی، نژادی، مذهبی، ... با انگیزه آسیب جدی بدنی و روحی به اعضای آن گروه باشد، می‌توان آن را ابزار ارتکاب ژنوساید تلقی کرد. بدیهی است در چنین شرایطی تخریب محیط‌زیست، در حیطه صلاحیت دیوان قرار خواهد گرفت و قابل رسیدگی است. لذا در هنگام صدور حکم به استناد ماده ۷۵ اساسنامه، دیوان می‌تواند حتی بدون تقاضای قربانیان، احکامی برای جبران خسارات وارده به محیط‌زیست صادر نماید.

۱-۲-۱. بند «ج» ماده ۶ تعریف ژنوساید

بند «ج» ماده ۶ اساسنامه رُم نیز می‌تواند مرتبط با تخریب محیط‌زیست باشد. این بند تحمیل عمدی «شرایط زندگی»، به نحوی که تخریب کلی یا جزئی فیزیکی گروه را باعث شود را از مصادیق ژنوساید می‌داند. در اینجا نیز «شرایط زندگی» بدون محدودیت آمده است. در این مورد نیز با مراجعه به «عناصر جنایات» و در بیان عناصر بند «ج» ماده ۶، ملاحظه می‌شود که «شرایط زندگی» چنین تعریف شده است:

«شرایط زندگی»، می‌تواند شامل محرومیت عمدی از منابع ضروری برای بقا، مانند غذا یا خدمات پزشکی یا اخراج سیستماتیک از خانه باشد، اما لزوماً محدود به این موارد نیست» در این بند نیز با توجه به قید «اما لزوماً محدود به این موارد نیست» در عناصر جرم، نشان داده می‌شود که ممکن است بتوان، سایر فعالیت‌ها از جمله تخریب محیط‌زیست را هم که صراحتاً در چنین مثال‌هایی ذکر نشده، از جمله رفتارهای مرتبط برای تحمیل «شرایط زندگی» دانسته و آن را مصداق ژنوساید محسوب کرد.

شرایط فعلی غزه می‌تواند مثالی برای این بند از تعریف ژنوساید باشد. در حال حاضر «شرایط زندگی» که در نوار غزه به مردم تحمیل شده است، ظرفیت آن را دارد که عامل ارتکاب ژنوساید باشد. از طرفی دیوان می‌تواند به استناد ماده ۷۵ احکامی برای جبران خسارات وارده، صادر نماید. شایان ذکر است حسب برآوردهای اولیه، میلیون‌ها تن نخاله در نتیجه بمب باران‌های اسرائیل در نوار غزه به وجود آمده که تخلیه آنها نه تنها مدت‌ها زمان می‌برد، بلکه میلیاردها دلار هزینه، خواهد داشت. یادآور می‌شود دیوان اختیار دارد حتی بدون



تقاضای قربانیان، در مورد جبران خسارات، احکامی صادر کند. چنین احکامی، به دلیل «خاصیت بازدارندگی»، حتی می‌تواند باعث جلوگیری از افزایش تخریب و حفاظت از محیط‌زیست شود.

با این حال احراز ژنوساید از طریق آسیب‌های زیست‌محیطی، در عمل با مانع مهمی مانند وجود «عنصر روانی» مواجه است. در این ارتباط بخش ۵ ماده ۶ اساسنامه رم مقرر می‌دارد که رفتار انجام گرفته باید با قصد نابودی گروه مربوطه انجام شده باشد. این الزام برای آسیب‌های زیست‌محیطی، بیش از حد محدودکننده به نظر می‌رسد؛ اما به معنای حذف کامل ملاحظات زیست‌محیطی تحت ژنوساید نیست. لذا تخریب محیط‌زیست، زمانی می‌تواند به عنوان یک عامل احراز ژنوساید استفاده شود که به‌طور مشترک با سایر اقداماتی که قصد آشکاری برای نابودی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی دارند، در نظر گرفته شود؛ به عبارت دیگر آسیب‌های زیست‌محیطی، ضمن ارتباط با سایر عناصر می‌تواند در ارتکاب ژنوساید، دخالت داشته باشند. قطعاً در این صورت و با قید سایر الزامات، امکان استناد به ماده ۷۵ و پیگیری جبران خسارات زیست‌محیطی نیز ممکن به نظر می‌رسد.

۲-۱. تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی به عنوان ابزاری برای ارتکاب جنایت علیه بشریت
اساسنامه رم، یک تعریف کلی و جامع از «جنایات علیه بشریت» ارائه نمی‌دهد. ماده ۷ نسبتاً یک رویکرد احصایی^۱ را بیان می‌کند و اعلام می‌دارد هر یک از رفتارهای شمرده شده در صورتی که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیرنظامی (چه در زمان جنگ و چه صلح) باشد، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. این ماده، سپس ۱۱ رفتار را که همگی درک مفهوم جنایت علیه بشریت از حقوق بین‌الملل عرفی هستند، فهرست می‌کند؛ مانند ژنوساید، ماده ۷ هم به آسیب‌های زیست‌محیطی، اشاره مستقیمی ندارد. با این حال، آسیب‌های زیست‌محیطی زمانی که به عنوان ابزاری برای ارتکاب یکی از رفتارهای فهرست شده در ماده ۷ به کار رود، ممکن است به‌طور غیرمستقیم در احراز جنایت علیه بشریت استفاده شود.

امکان پیگیری تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی تحت دسته جرائم علیه بشریت، بیش از پیگیری این موارد به عنوان ابزاری برای ارتکاب ژنوساید، وجود دارد. در این خصوص تنها وجود عنصر روانی (به جای نیت نسل‌کشی) مورد نیاز است.

بند یک ماده ۳۰ اساسنامه در خصوص عنصر روانی جرم، بیان می‌دارد:

«شخص تنها در صورتی از نظر کیفری مسئول شناخته شده و قابل مجازات برای جرمی در صلاحیت دیوان خواهد بود که عناصر مادی جرم، با قصد و علم ارتکاب یافته باشد».

بند دوم همین ماده مقرر می‌دارد:

«در موارد زیر برای شخص، قصد و عمد محقق شده تلقی می‌گردد: الف) در رابطه با رفتار، هنگامی که شخص عمداً مبادرت به آن رفتار نماید؛ ب) در رابطه با نتیجه، هنگامی که شخص قصد ایجاد آن نتیجه را دارد یا آگاه است که این نتیجه در سیر عادی امور محقق خواهد شد.»

متأسفانه ابهامات موجود در این ماده باعث ایجاد راه‌گزینی برای مرتکبان شده است (بیگلری، رئیسی و جلالی، ۱۳۹۵: ۷۸). علاوه بر این جنایات علیه بشریت شامل فعالیت‌هایی با شدت^۱ کمتر از شدت لازم برای ژنوساید است؛ بنابراین دسته جنایات علیه بشریت برای پیگیری قانونی اقدامات تخریب‌کننده محیط‌زیست، مناسب‌تر از ژنوساید هستند. در موارد زیر می‌توان تخریب محیط‌زیست و ایجاد آسیب‌های زیست‌محیطی را به‌طور غیرمستقیم، زمینه بروز و ارتکاب جنایت علیه بشریت دانست:

۱-۲-۱. بند «ب» ماده ۷ اساسنامه (نابودی)

همان‌طور که گفته شد در ماده ۷ اساسنامه رُم، یازده رفتار به عنوان جنایت علیه بشریت شمرده شده است. بند «ب» از رفتارهای مذکور «نابودی»^۲ است. در اساسنامه هیچ توضیح اضافی راجع به این رفتار نیامده، اما در «عناصر جنایات»، نابودی را چنین بیان می‌کند:

«کشتن یک یا چند نفر، از جمله با ایجاد «شرایط زندگی» که برای نابودی بخشی از جمعیت محاسبه شده است. این رفتار می‌تواند با روش‌های مختلف کشتن، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم ارتکاب یابد. ایجاد چنین شرایطی می‌تواند شامل محرومیت از دسترسی به غذا و دارو باشد.»

ملاحظه می‌شود در این رفتار نیز محدودیتی در «شرایط زندگی» مقرر نشده. حتی ذکر کرده که کشتن، می‌تواند با روش‌های مختلف اعم از «مستقیم» و یا «غیرمستقیم» ارتکاب یابد. لذا در این مورد نیز تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم عامل «نابودی» بوده و ابزاری برای ارتکاب جنایات علیه بشریت تلقی شود (میسچرا^۳، ۲۰۱۸: ۲۰۸). در این مورد نیز شرایط نوار غزه می‌تواند مثال خوبی برای رفتار «نابودی» و ارتکاب جنایت علیه بشریت محسوب شود. اسرائیل با تخریب محیط‌زیست به‌طور غیرمستقیم نیز (علاوه بر کشتن به‌طور مستقیم)، در حال ارتکاب جنایت علیه بشریت است. در این مورد نیز با تحقق چنین شرایطی، به استناد ماده ۷۵ امکان پیگیری جبران خسارات زیست‌محیطی نیز وجود خواهد داشت.

1. Gravity
2. Extermination
3. Mistura



۱-۲-۲. بند «د» ماده ۷ اساسنامه (انتقال اجباری)^۱

رفتار دیگری که در ماده ۷ به عنوان یکی از جنایات علیه بشریت شمرده شده و تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم، باعث ارتکاب آن باشد، «انتقال اجباری» است. مجدداً با رجوع به «عناصر جنایات» ملاحظه می‌شود که در بیان این رفتار آمده است: «مرتکب «به‌زور» و بدون دلایل مجاز طبق قوانین بین‌المللی، یک یا چند نفر را اخراج یا با سایر اعمال قهری به کشور یا مکان دیگری منتقل می‌کند. اصطلاح «به‌زور»^۲ محدود به‌زور فیزیکی نیست، بلکه ممکن است شامل تهدید به‌زور یا اجبار، مانند تهدید ناشی از ترس از خشونت، اجبار، بازداشت، ستم روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه چنین شخص یا افراد یا شخص دیگری، یا با استفاده از یک محیط اجباری باشد.»

در این مورد نیز محدودیتی در شیوه انتقال، وجود ندارد و همچنان که در عناصر جرم تصریح شده است، انتقال اجباری، لزوماً مستلزم استفاده از زور فیزیکی علیه جمعیت غیرنظامی نیست. لذا تخریب محیط‌زیست و ایجاد آسیب‌های زیست‌محیطی، می‌تواند به عنوان عاملی برای انتقال اجباری مردم و ابزاری برای ارتکاب این جنایت باشد. شرایط مردم غزه، در چارچوب چنین جنایتی نیز قرار خواهد گرفت؛ زیرا اسرائیل با تخریب محیط‌زیست، مردم را ناچاراً، وادار به جابجایی و انتقال از خانه و کاشانه خود کرده است. در این صورت نیز در صورت احراز شرایط لازم، امکان پیگیری کیفری و جبران خسارات زیست‌محیطی به استناد ماده ۷۵ ممکن خواهد بود؛ یعنی دیوان می‌تواند احکامی در خصوص جبران خسارات وارده به محیط‌زیست مردم غزه و بازگرداندن شرایط زندگی برای آنها، صادر نماید.

۱-۲-۳. بند «ح» ماده ۷ اساسنامه

رفتار دیگری که در ماده ۷ به عنوان یکی از جنایات علیه بشریت شمرده شده و تخریب و آسیب زیست‌محیطی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم باعث آن باشد، «آزار و اذیت»^۳ است. ماده 7.1.(h) اساسنامه^۴، چنین مقرر داشته است:

«آزار و اذیت هر گروه یا جمع سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی که در پاراگراف ۳ تعریف شده است، یا دلایل دیگری که به‌طور جهانی به عنوان غیرمجاز بر اساس قوانین بین‌الملل محسوب می‌شوند و در ارتباط با هر عملی که در این پاراگراف یا هرگونه جرم در صلاحیت این دیوان باشد.»

عناصر جرایم در توضیح «آزار و اذیت» چنین بیان می‌دارد:

1. Forcible Deportation
2. forcibly
3. Persecution

«مرتکب، برخلاف قوانین بین‌المللی، یک یا چند نفر را به شدت از حقوق اساسی محروم می‌کند (این شرط بدون لطمه به بند ۶ مقدمه عمومی عناصر جرایم است)».

بند ۶ مقدمه عمومی عناصر جرایم مقرر می‌دارد:

شرط «غیرقانونی» که در اساسنامه یا سایر بخش‌های حقوق بین‌الملل آمده است (به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه)، به‌طور کلی در عناصر جنایات مشخص نشده است... لذا در این مقرر، با توجه به عدم وجود تعریف مشخص از شرط «غیرقانونی»، می‌توان تخریب محیط‌زیست و ایجاد آسیب‌های زیست‌محیطی را غیرقانونی و برخلاف قوانین بین‌الملل دانست که باعث محرومیت شدید از حقوق اساسی و ارتکاب رفتار «آزار و اذیت» در راستای جرم جنایت علیه بشریت باشد. لذا در این مورد نیز می‌توان تخریب محیط‌زیست را به عنوان ابزاری برای ارتکاب جنایت علیه بشریت دانست. این جنایت نیز هم‌اکنون، در جنگ غزه در حال وقوع است؛ زیرا اسرائیل با تخریب محیط‌زیست، مردم غزه را از بسیاری از حقوق اساسی خود، محروم کرده است. در این مثال، بازگرداندن حقوق اساسی مردم، بدون جبران خسارات وارده به محیط‌زیست و فراهم کردن محیط‌زیست مناسب، ممکن نیست. لذا دیوان اختیار دارد به استناد ماده ۷۵، حتی بدون درخواست قربانیان، احکامی برای جبران خسارات زیست‌محیطی، صادر نماید.

۱-۲-۴. بند «ک» ماده ۷ اساسنامه

ظرفیت دیگر اساسنامه رُم برای رسیدگی به تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی، در پرتو ماده 7.1.(k) نمایان می‌شود. این ماده در مورد رفتارهایی که مصداق ارتکاب جنایت علیه بشریت است، مقرر می‌دارد:

«سایر اعمال غیرانسانی با «ویژگی مشابه» که عمداً باعث رنج شدید یا آسیب جدی بدنی، روحی یا سلامتی شود.» در این خصوص بند دوم «عناصر جنایات» مقرر می‌دارد: «چنین عملی «ویژگی شبیه»، به هر عمل دیگری دارد که در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه ذکر شده است که «ویژگی» به ماهیت و شدت فعل اشاره دارد.»

طبق مفاد این مقرر، یک عمل در صورتی که از نظر شدت و ماهیت با رفتارهای فهرست شده در ماده 7.1 مشابه باشد، می‌تواند جزء چنین رفتارهایی محسوب شود. از طرفی هیچ قانونی و ملاکی برای تعیین شباهت و چگونگی ارزیابی شباهت نداریم. بدین ترتیب با توجه به انعطاف‌پذیری این ماده، این امکان وجود دارد که تخریب محیط‌زیست از نظر شدت و ماهیت به حدی برسد که بتوان آن را مشابه رفتارهای مربوط به ماده ۷ تلقی کرده و ابزاری برای ارتکاب جنایت علیه بشریت دانست (میسچرا، ۲۰۱۸: ۲۰۹).



این بند از جنایات علیه بشریت نیز در مورد تخریب محیط‌زیست در غزه، صادق است. هم‌اکنون آسیب‌های زیست‌محیطی به‌حدی از «شدت» رسیده است که باعث «رنج شدید» و «آسیب جدی بدنی» و «روحي و سلامتی» مردم غزه است. بدیهی است در این مورد نیز دیوان با تکیه بر ماده ۷۵ اساسنامه رُم، می‌تواند حتی بدون درخواست قربانیان احکامی در مورد جبران خسارات وارده به محیط‌زیست، صادر نماید.

۳-۱. تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی به عنوان ابزاری برای ارتکاب جنایات جنگی

ماده ۸ اساسنامه رم تحت عنوان «جنایات جنگی»، فهرست رفتارهایی را که جنایات جنگی محسوب می‌شوند، اعلام می‌دارد. بخش (iv)(b)2 از ماده مذکور تنها جایی در این اساسنامه است که به «محیط زیست طبیعی»^۱ با صراحت اشاره دارد. البته در اساسنامه، هیچگونه تعریفی از این واژه ارائه نشده است و معنی دقیق آن، مبهم باقی مانده است. در ارتباط با تعریف «محیط زیست» باید گفت که عدم قطعیت علمی در مورد برخی مفاهیم (از جمله محیط‌زیست)، ذاتی است. لذا درک علمی ما از این مفاهیم، همیشه در حال تغییر است (ویس^۲، ۲۰۱۱: ۹). به‌طور کلی مفهوم «محیط زیست»، به همان اندازه که برای فهم شهودی ساده است، برای تعریف دقیق سخت است؛ مانند مفهوم «زمان» که آگوستین^۳ در مورد آن گفت: «ما مفهوم زمان را می‌دانیم تا قبل از آنکه تعریف دقیق آن را بپرسند» (دوپای و وینوانس^۴، ۲۰۱۸: ۲۸). لذا ناچاراً در رسیدگی به پرونده‌های مربوطه باید «مورد به مورد»^۵، این واژه را معنی کرد.

ماده (iv)(b)(2)8 اساسنامه رُم مقرر می‌دارد:

«راه‌اندازی یک حمله به‌طور عمدی و با علم به اینکه چنین حمله‌ای منجر به... آسیب گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط‌زیست طبیعی می‌شود به‌طوری که به‌وضوح بیش از حد مزیت نظامی مشخص و مستقیم پیش بینی شده باشد، جنایت جنگی محسوب می‌شود.» در واقع این ماده، «زیست‌محور»^۶ یا «اکوسیستم محور»^۷ است. به این معنا که محیط‌زیست، صرفاً برای ارزش ذاتی خودش در نظر گرفته می‌شود، صرف نظر از هر گونه ارتباطی که ممکن است با فعالیت‌ها و علائق انسان داشته باشد. این رویکرد، با رویکرد «انسان‌محور»^۸ که در ژنوساید یا جنایات علیه بشریت مورد نظر است، متفاوت خواهد بود. در

1. the natural environment
2. Weiss
3. Augustine
4. Dupuy & Viñuales
5. Case by case
6. Bio centric
7. Ecocenter
8. Anthropocentric

رویکرد انسان‌محور رفتارهای مخرب محیط‌زیست، فقط برای پیامدهای زیان‌باری که می‌تواند برای زندگی و سلامتی انسان داشته باشد، مورد پیگرد قرار می‌گیرند. در حالی که در رویکرد زیست‌محور، ارزش ذاتی محیط‌زیست فی‌نفسه اهمیت دارد. البته محتوای این مقررہ نشان می‌دهد که برای متعادل کردن مزیت‌های نظامی و خسارات زیست‌محیطی طراحی شده است. چنین رویکردی با دیدگاه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست متفاوت است که در آن به دنبال تعادل بین حفاظت از محیط‌زیست و توسعه هستیم (پالارکزیک^۱، ۲۰۲۳: ۷).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اعمال این ماده، مربوط به خسارات زیست‌محیطی ناشی از یک درگیری مسلحانه می‌باشد. در منازعات مسلحانه، «محیط زیست» معمولاً به شدت آسیب می‌بیند. در حالی که در مقایسه با سایر قربانیان، مورد توجه کمتری قرار می‌گیرد. به‌نحوی که «برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد»، محیط‌زیست را به عنوان «قربانی خاموش»^۲ درگیری مسلحانه، توصیف کرده است (استهان و دیگران^۳، ۲۰۱۷: ۱).

در ماده مذکور درگیری مسلحانه باید الزامات اساسی قابل توجهی را برآورده کند. از جمله اینکه باید «گسترده»، «شدید» و «طولانی‌مدت» باشد. البته در مورد این الزامات، هیچ‌گونه تعریف و محدودیتی در اساسنامه ارائه نشده است بلکه کاملاً کیفی، غیرقابل سنجش و مبهم هستند. همچنین این حمله نظامی، باید در رابطه با مزیت نظامی کلی و مستقیمی که از آن پیش‌بینی شده، به‌طور آشکار بیش از حد باشد.

حمله «گسترده» و «شدید» اسرائیل به غزه که در حال حاضر با گذشت سال‌ها، «طولانی» نیز محسوب می‌شود، می‌تواند در چارچوب این ماده جای گیرد. بدیهی است این حمله نظامی، خساراتی به مراتب بیش از مزیت‌های نظامی، به‌وجود آورده است. وجود عنصر روانی نیز به دلیل عمدی بودن این حملات قابل اثبات است. توضیح اینکه برای حمله کردن باید تجهیز شد و مقدمات مورد نیاز را فراهم کرد، طرح و نقشه ریخت و سپس نقشه را عملی نمود، بنابراین انجام چنین حمله‌ای همواره عمدی خواهد بود. از طرفی استفاده کردن از روش‌ها و وسایل جنگی که می‌تواند خسارات قابل توجهی به محیط‌زیست طبیعی وارد کند نیز حاکی از وجود عمد و اراده مرتکب می‌باشد (فقیه‌حبیبی، ۱۴۰۱: ۱۳۵). از جمله این خسارات، آسیب‌های زیست‌محیطی است که به منطقه ساحلی دریای مدیترانه وارد شده است. لذا در چارچوب این ماده، رسیدگی به خسارات زیست‌محیطی غزه امکان‌پذیر بوده و حتی به استناد ماده ۷۵ اساسنامه، دیوان می‌تواند احکامی برای جبران خسارات زیست‌محیطی، صادر نماید.

۴-۱. تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی در «سند خط مشی» ارائه شده توسط دادستان

1. Palarczk
2. silent casualty
3. Stahn & et al



به‌طور کلی مبنای قانونی برای صدور مقررات و سیاست‌های داخلی دفتر دادستانی، در ماده ۴۲ اساسنامه رُم، مشخص شده است. ماده ۴۲.۱ اساسنامه رُم، مقرر می‌دارد:

«دفتر دادستانی مستقلاً به عنوان یک ارگان جداگانه دیوان، عمل می‌کند. این دفتر مسئول دریافت ارجاعات و هرگونه اطلاعات مستدل در مورد جرایم در صلاحیت دادگاه، برای بررسی آنها و برای انجام تحقیقات و تعقیب در دیوان، خواهد بود. یک عضو دفتر نباید از هیچ منبع خارجی به دنبال دستورالعمل بوده یا به آن عمل کند.»

همچنین ماده ۴۲.۲ مقرر می‌دارد:

«ریاست این دفتر بر عهده دادستان خواهد بود. دادستان بر مدیریت و اداره دفتر، از جمله کارکنان، امکانات و سایر منابع آن دارای اختیارات کامل خواهد بود...»

لذا دادستان حسب مواد مذکور، استقلال و اختیار تام دارد. پیامد اصلی استقلال قابل توجهی که به دفتر دادستانی داده شده است، به رسمیت شناختن اختیار گسترده‌ای است که می‌تواند هم در مرحله تحقیق و هم در مرحله دادرسی در دیوان، اعمال کند. بر پایه این اختیار، دادستان هر از گاهی «سند خط مشی» دفتر دادستانی را منتشر می‌کند. از جمله سال ۲۰۱۶ دادستان در سند منتشره، به برخی جرایم زیست‌محیطی مانند تخریب محیط‌زیست، بهره‌کشی ناعادلانه از منابع طبیعی و تصرف غیرقانونی زمین اشاره کرده بود. بدیهی است این استقلال و اختیار دادستان، صرفاً در چارچوب صلاحیت‌های دیوان و اساسنامه رُم بوده و سند خط مشی نمی‌تواند صلاحیت دادستان را مافوق اساسنامه، اعلام نماید.

«سند خط مشی» صادره در سال ۲۰۱۶، به‌وضوح قصد دادستان را برای تمرکز روی جرایم مرتبط با تخریب محیط‌زیست در چارچوب ظرفیت‌های بالفعل اساسنامه رُم، نشان می‌دهد. لذا مجدداً تأکید می‌شود نباید ظرفیت‌های بالفعل اساسنامه را دست‌کم گرفت. بلکه باید بر تکیه بر سند خط مشی، موضوعات زیست‌محیطی را در چارچوب اساسنامه در دیوان بین‌المللی کیفری دادگستری مطرح و حتی آنها را در اولویت قرار داد. از طرفی با توجه به سند خط مشی و چالش‌های زیست‌محیطی موجود در جهان حاضر، امکان تقویت و راه‌اندازی مجدد گفتمان حقوقی برای اعمال اصلاحاتی در اساسنامه برای تضمین حفاظت موثر از محیط‌زیست، وجود خواهد داشت.

۲. سایر ظرفیت‌های اساسنامه رُم برای جبران خسارات زیست‌محیطی

همچنان که ذکر شد حسب «اصل قانونی بودن جرم»، دیوان در رسیدگی‌های خود صرفاً در صورت اصلاح اساسنامه، می‌تواند از جرم‌های اصلی و تعریف شده فراتر رود. در این خصوص سرنخ‌های دیگری برای جبران خسارات ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی یافت می‌شود که موکول به اصلاح اساسنامه هستند. به عنوان مثال برخی صاحب‌نظران پیشنهاد

کرده‌اند که از «جرائم زیست‌محیطی» صرف نظر کرده و مفهوم «اکوساید» را به عنوان پنجمین جرم اصلی در حوزه صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دهیم. بدیهی است وارد کردن جرم پنجم به صلاحیت‌های دیوان، بدون اصلاح اساسنامه، عملی نیست. در این مبحث موادی از اساسنامه رُم که «ظرفیت‌های بالقوه‌ای» برای پیگیری کیفری خسارات زیست‌محیطی دارند، مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۱-۲. پیگرد تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی در پرتو عرف بین‌الملل مقرر در اساسنامه عرف بین‌الملل، یکی از منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. البته حقیقت این است که محتوای قواعد عرفی حفاظت از محیط‌زیست بیشتر انتزاعی^۱ و احتمالاً ملایم‌تر است (استهان و دیگران^۲، ۲۰۱۷: ۲۶۰). اگرچه اهمیت قواعد عرفی حقوق بین‌الملل زمانی آشکارتر می‌شود که در نظر بگیریم همان‌طور که قبلاً ذکر شد، چالش‌هایی در زمینه اجرا و تفسیر بسیاری از معاهدات زیست‌محیطی وجود دارد. در این صورت می‌توان انتظار داشت با به‌کارگیری قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، برخی از این نواقص اجرایی مرتفع گردد (سبحانی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۳).

در این راستا، اساسنامه رُم نیز ظرفیت‌هایی برای اعمال قواعد عرف بین‌الملل دارد. به عنوان مثال می‌توان در این اساسنامه، رد پای عرف بین‌الملل را در موارد زیر ملاحظه کرد:

۱-۱-۲. ماده ۲۱(b) اساسنامه رم

در ماده ۲۱ اساسنامه رُم، قوانین قابل اعمال در رسیدگی‌های دیوان آمده است. در بخش (b) (1) ماده مذکور، چنین مقرر شده است:

«دیوان قوانین زیر را در رسیدگی‌های خود، اعمال خواهد کرد:
الف) در مرحله اول...

ب) در مرحله دوم، در جایی که مناسب باشد، «معاهدات قابل اجرا»^۳ و «اصول و قواعد حقوق بین‌الملل»^۴، شامل اصول تثبیت شده حقوق بین‌الملل مخصصات مسلحانه. این ماده، هم «معاهدات قابل اجرا» و هم «اصول و قواعد حقوق بین‌الملل» را به عنوان قوانین قابل اعمال در رسیدگی‌های دیوان ذکر می‌کند. اگر چه هر دو، نسبت به اساسنامه رُم و فرآیندی که رسیدگی در دیوان را تنظیم می‌کند، فرعی محسوب می‌شوند (مرحله دوم هستند). البته عبارتی که اساسنامه رم، به کار می‌برد با آنچه در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری آمده، یکسان نیست، ولی بین محققین توافق کلی وجود دارد که اصطلاح «قواعد

1. abstract

2. Stahn & et al

3. applicable treaties

4. the principle and rules of international law



حقوق بین‌الملل» باید به عنوان عرف بین‌الملل، تعبیر شود. البته ذکر این نکته لازم است که این ماده قصد تاثیرگذاری بر فهرست جنایات اصلی موجود در اساسنامه یا گسترش آن‌ها به صورت عرفی و در نهایت گسترش صلاحیت دیوان (بدون اصلاح اساسنامه) را ندارد. لذا با تکیه بر عرف بین‌الملل، می‌توان یک توسعه جدید را در تعاریف ژنوساید، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی با توجه به رفتارهای مجرمانه برای تخریب محیط‌زیست متصور شد و می‌توان گفت به استناد ماده فوق‌الذکر ظرفیت بالقوه (با شرط اصلاح اساسنامه)، در دیوان کیفری بین‌المللی برای پیگیری کیفری تخریب و خسارات زیست محیطی، وجود دارد.

۲-۱-۲. ماده ۱۰ اساسنامه رُم

ماده ۱۰ اساسنامه رُم، تنها ماده بدون عنوان در این اساسنامه است، زیرا عنوان مناسبی در دسترس نبود تا بتواند تمام محتوای آنرا در برگیرد. این ماده مقرر می‌دارد:

«هیچ چیزی در بخش دوم این اساسنامه (که صلاحیت دیوان را مشخص می‌کند) نباید به عنوان محدود کننده یا پیش داورِ قوانین موجود یا در حال توسعه حقوق بین‌الملل برای اهدافی غیر از اساسنامه تفسیر شود.»

این بدان معناست که حداقل از نظر تئوری، توسعه و تغییرات در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست (به عنوان مثال تعریف جرم جدید که هنوز در صلاحیت دیوان قرار نگرفته)، نمی‌تواند توسط اساسنامه مسدود شود. لذا تعریف جرم به‌نحوی که در اساسنامه رُم ارائه شده، ممکن است در طول زمان تغییر کند و به دلیل ظهور یک قاعده عرفی جدید، جرائم بین‌المللی جدیدی ایجاد شود. البته عرف موخر قابلیت آن را ندارد تا اقدام به جرم‌انگاری جرائم بین‌المللی کند و لیست جدیدی از جرائم (مثلاً اکوساید) را به اساسنامه دیوان اضافه کند.

بدیهی است با توجه به اصل قانونی بودن جرم (که جرایم کیفری را مستلزم تعاریف واضح و مشخص می‌داند)، در چنین مواردی موضوع اصلاح اساسنامه و تدوین جرم جدید مورد نظر در اصلاحیه، پیش خواهد آمد. بر اساس این ماده، می‌توان استدلال کرد که یک جرم می‌تواند در واقع دو توصیف کاملاً متفاوت داشته باشد. یکی به وجود آمده از حقوق بین‌الملل عرفی و دیگری مقرر در اساسنامه رُم. در حالی که جرم مقرر در اساسنامه، ثابت می‌ماند مگر اینکه اصلاحیه‌ای در اساسنامه تصویب شود، اولی می‌تواند در طول زمان تکامل یابد (به‌دلیل تغییر در رویه دولت‌ها و نظر حقوقی^۱ اعضای جامعه بین‌الملل)؛ به عبارت دیگر فقدان توافق در خصوص صلاحیت دیوان روی برخی جرائم جدید، به معنای آن نیست که این جرائم و

1. opinion juris

قابلیت مجازات آنها به موجب حقوق بین الملل وجود ندارد (نژندی منش و راعی دهقی، ۱۳۹۷: ۱۴۴).

علاوه بر ماده مذکور در بخش سوم اساسنامه ماده‌ای شبیه به ماده ۱۰ وجود دارد که ماده ۲۲ است.

بند ۳ ماده ۲۲ بیان می‌دارد:

«مقررات این ماده، مانع از این نیست که عملی از دیدگاه حقوق بین الملل و مستقل از این اساسنامه جرم تلقی شود.»

با توجه به موارد فوق‌الذکر اگر بگوییم که «حقوق در حال توسعه از جمله عرف موخر»، اساسنامه رُم را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد، مورد پذیرش نیست؛ زیرا ساده‌ترین فرض این است که مجمع عمومی کشورهای عضو ممکن است دست به اصلاح اساسنامه زده و عرف موخر را وارد آن کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به چالش‌های غیر قابل حلّی که برای جبران خسارات زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر بروز کرده است، لازم است هر گونه امکانات و روزنه موجود برای غلبه بر این چالش‌ها، مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا، استفاده از ظرفیت‌های اساسنامه رُم، حائز اهمیت است. به‌خصوص که ماده ۷۵ این اساسنامه، با تأکید بر جبران «هرگونه خسارت»، ابزار قدرتمندی برای احقاق حقوق قربانیان زیست‌محیطی حتی بدون نیاز به درخواست مستقیم آنان، محسوب می‌شود. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که برای تحقق «عدالت زیست محیطی» در پرونده‌های کیفری بین‌المللی و رفع برخی چالش‌های سد راه جبران خسارات زیست‌محیطی، علاوه بر ماده (iv) 8.2(b) (جنایات جنگی) می‌توان با تکیه بر «عناصر جنایات»، حتی به ارتکاب «جنایت علیه بشریت» و «ژنوساید» نیز استناد کرد. به‌خصوص که «عناصر جنایات» به تصویب مجمع اعضای عضو دیوان کیفری بین‌المللی رسیده و لذا بخشی از خود اساسنامه (ماده ۹) محسوب می‌شود. لذا جزئیات ذکر شده برای هر رفتار در عناصر جنایات، تفسیر موسع محسوب نمی‌شود. در این خصوص سند خط‌مشی دادستان در سال ۲۰۱۶، نشان می‌دهد که دیوان می‌تواند با اولویت‌دهی به پرونده‌های زیست‌محیطی، گام‌های عملی در این زمینه بردارد. لذا با توجه به ظرفیت‌های موجود در اساسنامه رُم، نباید قدرت تکیه ساده بر چارچوب فعلی را دست کم گرفت. همچنین اساسنامه رُم ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای تدوین اصلاحیه و توسعه امکان رسیدگی به خسارات زیست‌محیطی در قالب جرم جدید و پنجم با عنوان اکوساید را داراست.

پیشنهادهای

توجه به موارد زیر می‌تواند در تحقق «عدالت زیست‌محیطی» در پرونده‌های کیفری بین‌المللی و رفع برخی چالش‌های سد راه جبران خسارات زیست‌محیطی، موثر باشد:

- تحریک افکار عمومی (افرادی که شاید بی‌علاقه و بی‌خبر از مسایل سیاسی و کیفری محض باشند)، می‌تواند عاملی موثر برای افزایش فشار جامعه مدنی برای پیشبرد «عدالت زیست‌محیطی» در پرونده‌های کیفری بین‌المللی باشد. در این خصوص نباید نقش دکترین در توسعه حقوق بین‌الملل را دست کم گرفت. لذا پیشنهاد می‌شود صاحب‌نظران و حقوق‌دانان برجسته در سخنرانی‌ها، مقالات و ... اهمیت توجه به حفاظت از محیط‌زیست و جبران خسارات زیست‌محیطی در پرونده‌های کیفری بین‌المللی را یادآور شوند.

- به دلیل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان، پیگیری کیفری خسارات زیست‌محیطی توسط تک تک کشورهای عضو در حقوق داخلی خود نهایتاً باعث افزایش رویه‌های قضایی و توسعه «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» خواهد شد. در این راستا پیشنهاد می‌شود در حد ممکن در پرونده‌های کیفری به خسارات زیست‌محیطی توجه شود.

- تقویت نقش دیوان کیفری بین‌المللی در حمایت از محیط‌زیست، مستلزم قضاوت‌های جسورانه و نوآورانه دیوان می‌باشد. به این منظور پیشنهاد می‌شود هماهنگی بیشتری بین دیوان با نهادهای زیست‌محیطی مانند برنامه محیط‌زیست ملل متحد برای جمع‌آوری ادله و مستندات علمی وجود داشته باشد. ایجاد یک واحد تخصصی محیط‌زیست در دفتر دادستان دیوان برای بررسی سیستماتیک پرونده‌های مرتبط می‌تواند یکی از راهکارهای ممکن باشد.

منابع

- آلامودین، آمل و ووب، فیلیا. (۱۳۹۱). گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نسبت به جنایات جنگی موضوع ماده ۸ اساسنامه. *مجله حقوقی بین المللی*، ۲۹(۴۶)، ۲۱۱.
- ابراهیمی، شهرام و رجبی، ابراهیم. (۱۳۸۹). پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی و گستره محدودیتهای آن. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۷(۱۳)، ۳۸-۱۵.
- بیگلری، پویان؛ رئیس، لیلا و جلالی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی عنصر روانی در حقوق کیفری بین المللی. *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل*، ۹(۳۴)، ۵۳-۸۱.
- جعفری، امین و احمدی، اصغر. (۱۳۹۸). جبران خسارات جرائم زیست محیطی در حقوق بین الملل و حقوق ایران. *مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۴۹(۲)، ۶۱۳-۶۳۳.
doi: 10.22059/jpls.2018.223342.1426
- حسینی اکبرنژاد، هاله. (۱۳۸۸). صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری: پویایی نظامهای قضایی ملی در مقابله با بی کیفری. *مجله حقوقی بین المللی*، ۲۶(۴۱)، ۱۱۱-۱۴۲.
- سبجانی نیا، مجتبی؛ عبدالحی، محسن و پورهاشمی، سید عباس. (۱۴۰۰). واکاوی سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین الملل محیط زیست. *پایداری، توسعه و محیط زیست*، ۲(۴)، ۷۷-۹۲.
<https://sanad.iau.ir/ar/Article/846615>
- سلیمی، صادق و جداری فروغی، فرزانه. (۱۳۹۷). جبران خسارات ناشی از ارتکاب جنایات بین المللی در دیوان بین المللی کیفری برای بزه دیده در پرتو آراء صادره. *مجله بین المللی پژوهش ملل*، ۳(۳۶)، ۲۱-۳۶.
- شاه حسینی، عطیه و مشهدی، علی. (۱۳۹۵). جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیتهای خطرناک. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۹(۵۵)، ۱۴۱-۱۶۵.
doi: 10.22054/qjpl.2017.7786
- شریعت باقری، محمد جواد. (۱۳۹۳). حقوق کیفری بین المللی. تهران: نشر میزان.
- فقیه حبیبی، علی. (۱۴۰۱). تحول جرایم زیست محیطی در پرتو تکوین قواعد بین المللی زیست محیطی. *پژوهش های روابط بین الملل*، ۱۲(۲)، ۱۳۱-۱۵۰.
doi: 10.22034/irr.2022.295743.2009
- کشکولیان، اسماعیل و کریمیان عمروآبادی، فاطمه. (۱۴۰۱). چالش ها و راهبردهای پیشگیرانه وضعی در قبال جرایم زیست محیطی. *آراء*، ۵(۹)، ۶۷-۸۲.
http://journals1.jri.ac.ir/article_708541.html
- موسوی، سید فضل ا. و قیاسیان، فهیمه. (۱۳۹۰). جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین الملل. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۱(۱)، ۳۲۷-۳۴۶.
- نژندی منش، هیبت اله و راعی دهقی، هاجر. (۱۳۹۷). رابطه میان عرف موخر و معاهده، در چارچوب ماده ۱۰ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۹(۵۸)، ۱۳۷-۱۶۳.
https://journals.atu.ac.ir/article_8607.html

- نژندی منش، هیبت الله و آموزگار، شهریار. (۱۳۹۶). جایگاه بزه دیده، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. قضاوت، ۱۷(۹۱)، ۱۶۱-۱۳۵.

https://www.ghazavat.org/article_178185.html

-Dupuy, P.-M., & Viñuales, J. E. (2018). *International environmental law (2nd ed.)*. Cambridge University Press.

<https://doi.org/10.1017/9781108399821>

- Mistura, A. (2018). Is there space for environmental crimes under international criminal law? The impact of the Office of the Prosecutor Policy Paper on case selection and prioritization on the current legal framework. *Columbia Journal of Environmental Law*, 43(1), 181-229.

<https://doi.org/10.7916/4rt7-v957>

-Nurse, A. (2017). Green criminology: Shining a critical lens on environmental harm. *Palgrave Communications*, 3(1), 1-4.

DOI: 10.1057/s41599-017-0007-2

- Palarczyk, D. (2023). Ecocide before the International Criminal Court: Simplicity is better than an elaborate embellishment. *Criminal Law Forum*, 34(2), 147-207.

<https://doi.org/10.1007/s10609-023-09453-z>

- Reis, T. H. (2011). *Compensation for environmental damages under international law: The role of the international judge* (Vol. 17). Kluwer Law International.

-Stahn, C., Iverson, J., & S Easterday, J. (2017). *Environmental protection and transitions from conflict to peace: clarifying norms, principles, and practices* (p. 512). Oxford University Press.

<https://doi.org/10.1093/oso/9780198784630.002.0003>

- Weiss, E. B. (2011). The evolution of international environmental law. *Japanese Yearbook of International Law*, 54, 1-27.

<https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/1669/>

